

## تجدید حیات ایران در زمان رضاشاه کبیر

رضاشاه کبیر در ۱۲۰۱ سید ۲۲۲۶ شاهنشاهی قدم بعرصه وجود نهاد و فردا یکصدسال از آنروز میگذرد . خداوند بزرگ مقدر فرموده بود که این نوزاد از سقوط ایران جلوگیری کند و کشور را از شر اهریمنان نجات بخشد و باعث تجدید حیات ایران گردد .  
برای پی بردن باین حقیقت باید کمی بگذشته برگردیم و وضع مملکت را با چند جمله بیاد آوریم .

از تاریخی که معاهده خفت آور ترکمانچای امضاء شد بویژه از آغاز سلطنت مظفرالدینشاه در ۱۲۷۵ ایران روز بروز ناتوان تر شد و با مداخلات علنی بیگانه در تمام امور کشور ما استقلال خود را از دست داد تا آنجا که روسای دولتها و وزیران با موافقت روس وانگلیس معین میشدند و هیچ اقدامی بدون صلاحدید آنها صورت نمیگرفت . عمر دولتها از دوسه ماه تجاوز نمیکرد و هرج و مرج همه جا حکمفرما بود . بیگانگان توسط راهزنان نا امنی ایجاد میکردند و بیبهبانه نا امنی مملکت را اشغال مینمودند و مخالفان خود را بقتل میرساندند . ارتش ایران را محدود بدو هزار نفر کرده بودند که قسمت متشکل و عمده آن قزاقانی بودند تحت فرماندهی افسران روسی و عده کمی ژاندارم با افسران سوئدی و یک بریگاد بی جیره و مواجب .

بهنگام شعله ور شدن جنگ جهانی اول دولت محتضر ما در ۱۲۹۳ اعلام بیطرفی کرد و چون نیروی حفظ بیطرفی را نداشت مملکت مبدل بکارزاری شد بین دولتهای متخاصم و همین مسئله باعث کشته شدن هزاران نفر و صدمات جانفرسا شد و عواقب وخیم چون قحطی و بیماریهای واگیر بدنیاال داشت . در خرداد ۱۲۹۹ سپاه بلشویک کیلان را اشغال کرد و حکومت جمهوری اشتراکی برای ایران تشکیل داد . مملکت در لب پرتگاه بود و همه ما یوس بودند . روشنفکران معدود و بازماندگان انقلاب مشروطه سربآسمان بلند کرده بزبان فردوسی میگفتند :

توای دادگستر جهان آفرین	برازنده آسمان وزمین
فروزان بما فر شاهنشاهی	بما بازگردان کلاه مهبی
برانگیز یک مرد ایران نژاد	توانا و بینا دل و پاکزاد
که بانیروی داد و مردانگی	بهوش و بفرهنگ و فرزانیگی
کند زنده نام نیاکان ما	چومینو کند خاک ایران ما

خداوند متعال این دعا را اجابت فرمود و سرتیپ رضاخان را مامور نجات ایران کرد .

در پائیز ۱۲۹۹ که سرتیپ رضاخان با عده‌ای از قزاقان نیپ همدان مامور جلوگیری از پیشرفت بلشویکها به منجیل اعزام شده بود بواسطه عدم تقویت دولت بقزوين آمد و بلا معدودی از افراد تیپ و افسران ایرانی روز سوم اسفند تهران را تصرف کرد و احمدشاه قاجار را وادار ساخت که سیدضیاءالدین طباطبائی را به نخست‌وزیری معین کند. سرتیپ رضاخان بالقب سردار سپه بریاست کل قوا منصوب شد و از آنروز مسیر تاریخ ایران تغییر کرد.

سردار سپه معتقد بود که برای تسلط بر اوضاع فلاکت بار باید نیرومند شد و از ساعت اول شروع بکار در صدد تشکیل ارتش برآمد. افسران بیگانه را مرخص کرد و از افراد قزاق و زاندارم سپاه کوچکی فراهم آورد و درآمد ادارات دارائی تهران را صرف آن کرد. دو ماه بعد وزیر جنگ شد و بسرعت و با دلاوری بسرکشیهای عشایر و ایلات و بیایان در آذربایجان و مازندران و فارس و خوزستان خاتمه داد حکومت جمهوری اشتراکی را در کیلان سرنگون ساخت و در آبانماه ۱۳۰۲ نخست‌وزیر شد. در ۱۳۰۴ قانون نظام اجباری را بتصویب مجلس رساند و ارتش ملی ایران را بوجود آورد و وحدت ملی و قدرت دولت در دورترین نقاط کشور تحقق یافت و زمینه برای اصلاحات اساسی فراهم گردید. در آذرماه ۱۳۰۴ مجلس مؤسسان که بنده نیز در آن نمایندگی داشتم قهرمان کشور را بسلطنت برگزید و در چهارم اردیبهشت ۱۳۰۵ مراسم تاجگذاری سر دودمان پهلوی باشکوه تمام برگزار شد.

رضاشاه کبیر در ظرف پانزده سال سلطنت اقداماتی نمود که شرح آنها در این مجلس میسر نیست و باید مهمترین آنها را بطور فهرست خاطر نشان کرد. از طرف دیگر چون این جلسه در دانشگاه تشکیل شده و بفرهنگیان اختصاص دارد شمای درباره توسعه مدارس و بی‌ریزی آموزش عالی معروض خواهد شد.

از لحاظ سیاسی ادوار قانونگذاری مجلس شورای ملی که در شانزده سال اول مشروطه سه بار تشکیل شده بود مرتباً "هر دو سال یک بار بطور متوالی تشکیل گردید. حق قضاوت کنسولها ملغی شد و با تمام دولتها قرارداد جدید بر اصل تساوی حقوق بسته شد. دادگستری نوین با دادرسان درست و دانا ایجاد گردید. قانون مدنی کامل بتصویب مجلس رسید. امتیاز نشر اسکناس از بانک انگلیس گرفته شد و به بانک ملی واگذار گشت. وضع وزارتخانهها با تصویب قانون استخدام کشوری و قضات ثابت پیدا کرد. معاملات مردم در دفاتر اسناد رسمی ثبت شد و اعتماد نسبت به مالکیت ایجاد گشت. اسکان عشایر باعث توسعه کشاورزی و رفع نا امنی شد.

از لحاظ اقتصادی نخستین بودجه کشور بمبلغ ۲۴ میلیون تومان بتصویب مجلس رسید که در ۱۳۲ به ۳۶۱ میلیون تومان بالغ شد. برای کالای تمام کشورها تعرفه یکسان معین گردید. کارخانه های ریسندگی و بافندگی و سیمان و قند و چرم سازی و هریربافی و مقوا سازی

ودخانیات و برق تاء سیس شد و از تولیدات و محصولات داخلی حمایت شد . بانک ملی و سپه و رهنی و کشاورزی و صنعتی تاء سیس گردید . با قبول و اجرای دستگاه متر اوزان و مقادیر در کشور یکسان شد . نسبت با امتیازات نفت ایران و انگلیس و سهم ایران و محدودیت شرکت تصمیمات بسیار مهم و نافع عملی گشت . بهای غله تثبیت و از کشاورزان تشویق بعمل آمد . ۲۳ هزار کیلومتر راه جدید ساخته شد . راه آهن سرتاسری کشور بطول ۱/۴۰۰ کیلومتر یا ۲۱۸ میلیون تومان سرمایه ملی کشیده شد و مورد بهره برداری قرار گرفت . بندر شاه و شاهپور در ساحل خلیج فارس توسعه یافت .

از لحاظ اجتماعی تقویم شمسی رسمیت پیدا کرد . لباس مردم بموجب قانون متحد - الشکل شد . اخذ شناسنامه برای هر ایرانی اجباری شد . برای ازدواج بموجب قانون حداقل سن و معاینه بهداشتی اجباری و حق طلاق بزنان اعطاء گردید . از زنان کشور رفع حجاب شد و نیمی از جمعیت مملکت قادر بر آرزای حیات و شرکت در امور اجتماعی گشت . اقدامات وسیع نسبت با آموزش و پرورش صورت گرفت که مهمترین آنها بعرض میرسد :

نخستین اقدام مهم اعزام محصل بخارجه بود که قانون آن در اول خرداد ۱۳۰۷ بتصویب رسید و بموجب آن مقرر شد تا ۱۳۱۳ هر سال یکصد نفر از فارغ التحصیلان مدارس عالی و متوسطه بخارجه اعزام شوند و در رشته هائی که هر سال هیئت وزیران معین میکرد بنحیث بپردازند . از عده اعزامی ۳۵ درصدی بایست در رشته آموزش و پرورش تخصص پیدا کنند . چون عده دیپلمه در ۱۳۰۷ از ۱۴۸ نفر تجاوز نمیکرد برای توسعه دبیرستانها عدهای دبیر از فرانسه استخدام شد . دارالمعلمین مرکزی که تا آن تاریخ معلم ابتدائی و دوره اول متوسطه تربیت میکرد مبدل به دارالمعلمین عالی شد تا دبیر برای دوره دوم متوسطه تربیت کند . برای دارالمعلمین عالی هم عدهای استاد از فرانسه استخدام گردید و برای جلب جوانان مستعد قانون مخصوص برای استخدام فارغ التحصیلان دارالمعلمین عالی با مزایای قابل توجه وضع شد . باین ترتیب دبیرستانها تکمیل و توسعه پیدا کرد و اعزام صد نفر بخارجه در هر سال امکان پذیر گشت .

طبق سالنامه ۱۳۱۷ وزارت فرهنگ در آن تاریخ ۴۵۲ نفر از دانشجویان اعزامی تحصیلات خود را بشرح زیر به پایان رسانده و استخدام شده بودند .

معلمی علوم طبیعی و ریاضی و زبان فرانسه	۱۴۵ نفر	نهرشته مهندسی	۱۳۳ نفر
پزشکی و دندانسازی و داروسازی	۸۲ نفر	حقوق و علوم اداری	۵۵ نفر
دامپزشکی	۱۳ نفر	بازرگانی	۹ نفر
حرفه و صنعت	۹ نفر	هنر و باستان شناسی	۶ نفر

دومین اقدام مهم تاء سیس دانشگاه تهران بود .

در فروردین ماه ۱۳۱۰ که بنده با اجازه رضاشاه کبیر بدعوت دانشگاه کلمبیا در نیویورک مشغول مطالعه وضع تعلیم و تربیت امریکا بودم از تیمورتاش وزیر دربار پهلوی دستور رسید که پس از تحقیق طرحی برای ایجاد یک "دارالفنون" دولتی بمنظور تربیت معلم و پزشک و مهندس تهیه کنم و تقدیم دارم. بنده پس از پژوهش و مشورت با عده‌ای از استادان و روسای دانشگاه کلمبیا و کارشناسان موسسه روکفلر طرحی تهیه کردم که در اواخر خرداد ۱۳۱۰ به تهران فرستادم و پس از بازگشت از امریکا در بهمن ماه ۱۳۱۰ دستور داده شد که طرح تقدیمی مورد تصویب واقع گردیده و خود باید آنرا اجرا کنم. از این رو ریاست دارالمعلمین عالی بمن واگذار شد که در تیرماه ۱۳۱۱ از جنوب خیابان شاهپور ساختمانهای جدید نگارستان یعنی محل فعلی دانشکده علوم اجتماعی و تعاون منتقل گردید و در ظرف دو سال با وارد کردن شش آزمایشگاه و نصب آنها در نگارستان نوانیسیس کتابخانه و کارخانه برق و دعوت از فضلا و دانشمندان چون سید محمد تدین و ملک الشعراء بهار و غلامحسین رهنما و دکتر علی اکبر سیاسی و سعید نفیسی و رشید یاسمی و نصراله فلسفی و علی نقی وزیری دارالمعلمین عالی (که موسوم به دانش سرای عالی شده بود) هسته مرکزی دانشگاه تهران شد. قانون تاسیس دانشگاه که در خرداد ۱۳۱۳ وضع گردید بیدرنگ اجراء شد. شعبه ادبی و شعبه علمی دانش سرای عالی مبسوط به دانشکده ادبیات و دانشکده علوم شد. مدرسه طب و حقوق که از سابق وجود داشت بصورت دو دانشکده درآمد و دانشکده فنی و دانشکده معقول و منقول (که اکنون موسوم است بدانشکده الهیات و معارف اسلامی) ایجاد گردید. در جلالیه که یک کیلومتر خارج از شهر و در مغرب شهر بود زمینی بمساحت بیست هکتار خریداری و نقشه دانشگاه توسط گدارمدرکل باستان شناسی تهیه و ساختن دانشکده ها آغاز شد و روز ۱۵ بهمن ۱۳۱۳ رضاشاه کبیر بامسرت سنگ بنای دانشگاه را در زیر پلکان دانشکده پزشکی در دل زمین جای داد و بتدریج که عمارات دانشکده ها ساخته شد و دانشجویان اعزامی بخارجه که واجد شرایط تدریس در دانشگاه بودند بایران بازگشتند دانش سرای عالی و شش دانشکده مذکور ساختمانهای خود منتقل شدند و روبه تکامل و توسعه گذاشتند.

سومین اقدام مهم رایگان شدن دبستانهای دولتی بود در سراسر کشور که بموجب قانون از اول فروردین ماه ۱۳۱۲ عملی شد. در همان سال انجمن ملی تربیت بدنی که قبلاً بوجود آمده بود بریاست عالی و الاحضرت همایون ولیعهد رسمیت یافت و با ایجاد ورزشگاهها و استخرهای شنا و تشکیل مسابقه ها و اعطاء جوایز بدست شاهنشاه پرداخت.

چهارمین اقدام مهم تاسیس ۲۵ دانش سرای مقدماتی برای تربیت آموزگار بود که بموجب قانون اسفند ۱۳۱۲ صورت گرفت. در قانون مذکور مقررات استخدام آموزگاران منظور شد و تاثیر فوق العاده در پیشرفت فرهنگ کرد.

پنجمین اقدام برگزاری هزاره حکیم ابوالقاسم فردوسی بود با شرکت دانشمندان عالی قدر هفده کشور مهم جهان در تهران و گشایش آرامگاه فردوسی که بهمت انجمن آثار ملی در طوس ساخته شده بود در بیستم مهرماه ۱۳۱۳. در سال مذکور دانشگاه‌های معتبر عالم نیز مقام فردوسی و خدمات او را بزبان و ملیت ایران مورد تجلیل قرار دادند.

ششمین اقدام تاسیس فرهنگستان ایران بود در خرداد ۱۳۱۴ با ۲۴ نفر از فحول دانشمندان کشور که در حفظ و ترقی و توسعه زبان فارسی افتخارا "خدمات مهم انجام داد. هفتمین اقدام توجه به هنر و هنرمندان و حفظ و تعمیر آثار تاریخی بود و باعث شد که سه کنگره بین‌المللی هنر و باستان شناسی ایران توأم با نمایشگاه بزرگ از آثار هنری ایران در پینسلوانیا در ۱۳۰۵ و لندن در ۱۳۰۹ و ولین‌گراد در ۱۳۱۴ تشکیل شد و چندین هزار قطعه از آثار هنرمندان چند قرن بمعرض تماشا و بررسی صدها هزار نفر از مردم جهان قرار داده شد و کتابها درباره آنها انتشار یافت که از همه مهمتر کتاب بررسی هنر ایران است درش جلد بزرگ بقلم هفتاد نفر از دانشمندان برجسته عالم بهمت پروفیسور یوپ امریکائی که در نوع خود بی نظیر است و مانند آن برای هیچ کشوری تالیف و طبع نشده است.

البته اقدامات دیگری در ظرف پانزده سال نسبت به تالیف و طبع کتابهای درسی ابتدائی و متوسطه و تصحیح و چاپ متن های قدیمی فارسی و ترجمه کتب خارجی مربوط به ایران و ساختن بناهای متعدد بسبک و اسلوب ایرانی برای انواع مدارس و بیمارستانها و وزارتخانهها انجام شده که من از شرح آنها خود داری کردم تا موجب ملال نشوم ولی ناگزیرم آمار مختصری از فرهنگ ایران بدهم تا خدماتی که در عصر رضاشاه کبیر صورت پذیرفته است روشن شود. در ۱۲۹۸ خورشیدی یعنی یک سال پیش از کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ در تمام کشور ۲۲۷ باب مدرسه وجود داشت با ۲۲ هزار شاگرد و ۱/۰۳۳ معلم و بودجه کل فرهنگ ۲۶۰ هزار تومان بود.

در ۱۳۲۰ بودجه فرهنگ ۱۵ میلیون تومان بود و خلاصه آمار مدارس بقرار ذیل:

شماره دبستان ۲/۳۳۶ باب با ۲۸۷ هزار دانش آموز که ۸۲ هزار نفر از آنها دختر بودند و ۹/۲۶۹ آموزگار که ۳/۹۰۲ نفر از آنها زن بودند.

شماره دبیرستان ۳۲۲ باب با ۲۶/۹۲۹ دانش آموز که ۵/۸۱۶ نفر از آنها دختر بودند و ۲/۱۸۰ دبیر که ۴۰۲ نفر از آنها زن بودند.

شماره دانش سرای مقدماتی ۲۹ باب با ۱/۲۶۹ دانش آموز که ۵۴۸ نفر از آنها دختر بودند و ۱۶۹ نفر دبیر که ۴۶ نفر از آنها زن بودند.

دانشگاه تهران و هفت مدرسه عالی با ۳/۳۹۵ دانشجو که ۳۰۲ نفر از آنها دختر بودند و ۵۶۶ استاد که ۳۳ نفر از آنها زن بودند.

بقیه در صفحه ۲۳

که از راه شوروی برای مامی آمد و مانگران آنها بودیم صریحا " اظهار می کردند ظرف شش هفته کار روسیه تمام است . ولی بعد معلوم شد چقدر در محاسبات و پیش بینی ها اشتباه کرده اند .

شاید اگر این تصور حقیقت پیدا می کرد تاریخ دنیا و جغرافیای کشورها صورت دیگر به خود می گرفت . ایرانی ها که سالها از مظلوم روس و انگلیس دل خون بودند این عمل آلمان را به فال نیک گرفتند و اگر عراق نکویم قسمت اعظم مردم با سواد از این پیش آمد خرسند بودند حتی در کلوب ایران شب دوم تیرماه یکی از آقایان وکلاء وقت تمام مهمانان را به شامپانی دعوت کرد و همه به سلامتی هیتلر شراب نوشیدند . در میدان سپه هم نمی دانم با دستورچه کسی عصرها بلندگو گزاره بودند و اخبار پیشرفت آلمانها را پخش می کردند و مردم گروه گروه جمع می شدند و با خوشحالی و دقت به اخبار گوش می دادند .

مطلب دیگری که در همان اوان قابل توجه بود و شاید در اقدام بعدی انگلیسها و روسها در ایران بی اثر نبود کودتای عراق بود که شرح آن بدین قرار است :

بقیه از صفحه ۱۸

در ۱۳۱۸ دومین جنگ جهانی شعله ور شد و دامنه آن در شهریور ۱۳۲۰ به ایران کشید و رضاشاه کبیر ناگزیر شد از سلطنت کناره گیری و ایران را ترک فرماید و ابتدا بجزیره موریس سپس به ژوهانسبورگ در جنوب آفریقا رفت و همانجا در مرداد ۱۳۲۳ جهانرا بدرود گفت و ملت ایران را عزادار ساخت .

با آنچه معروض افتاد آشکار شد که در مدتی بسیار کوتاه رضاشاه کبیر با اراده آهنین مملکت را از سقوط نجات داد و دست اجانب را کوتاه کرد و امتیازات مضر را لغو نمود و استقلال کشور را استوار ساخت و موجباتی فراهم آورد که در هر رشته اقدامات حیات بخش صورت گرفت و مملکت از حالت قرون وسطائی قدم بعصر جدید گذاشت و جانشینی را برای خود معین فرمود که برشالوده ساخت او بدوا " ایران را از مخاطرات سهمگین صیانت فرمود سپس با انقلاب شاه و ملت کشور را نیرومند و چهره آنرا دگرگون ساخت .

اکنون که صدسال از زادروز آن مرد بزرگ میگذرد مراتب عمیق سپاسگزاری و حق شناسی را معروض داشته و بروح پرفتوح آن سردار بزرگ تاریخ درود بی پایان میفرستیم و نام مقدس و مبارکش را همواره در دل خود زنده نگاه میداریم .

در آن عالم خدای از عالم غیب نثار رحمتش بر سر فشاناد .